



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان ۹۷

## تحلیل دیدگاه‌های برنامه‌ریزی و پیشرفت پایدار فضایی با تأکید بر تقویت شهرهای کوچک<sup>۱</sup>

صادق برزگر،<sup>۲</sup> زهره فنی<sup>۳</sup>

### چکیده

تحلیل و تبیین دیدگاه‌های برنامه‌ریزی فضایی ضرورتی است که در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه ایران، کمتر به آن توجه شده است؛ به این معنا که رشد سریع شهرها و ناهمگونی گسترده وسیعی از فضاها، جغرافیایی این جوامع، با تعادل بنیادین در اکثر شهرها، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، همراه نبوده است. بررسی وضع موجود برنامه‌ریزان را ناگزیر کرده است که به برنامه‌ریزی و آمایش در مقیاس‌های خرد و در قالب شهرهای کوچک توجه کنند؛ زیرا در این صورت است که می‌توان با استفاده از منابع محلی به توسعه پایدار فضایی دست یافت. پژوهش حاضر با استفاده از روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی درصدد نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات شهرهای کوچک از منظر پیشرفت پایدار است. این امر علاوه بر اینکه به تکمیل و ارتقای بحث‌های متنوع در مورد نقش آفرینی آن‌ها در توسعه حوزه درون‌شهری و پسرکانه روستایی کمک می‌کند، در مطالعات گسترده شبکه‌های سکونتگاهی ملی، منطقه‌ای و محلی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه و بررسی نظری و ماهیتی این موضوع دایره شناختی و ادراکی مبانی نظری مطالعات شهری را نیز ارتقا می‌دهد. نتایج

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۱

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

۲. استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: s\_barzegar1386@yahoo.com

۳. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران؛ رایانامه: z-fanni@sbu.ac.ir



حاصل از تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های مطرح شده نشان می‌دهد که دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک مبتنی بر توسعه فضایی پایدار به واسطه نگاه همه‌جانبه به ساختار داخلی شهرهای کوچک، نسبت به سایر دیدگاه‌ها، مزیت‌های ویژه‌ای دارد و نیز توانایی دارد که با تأکید بر پایداری این شهرها، علاوه بر تقویت ساختار درونی آن‌ها، مناسبات و شرایط محلی و منطقه‌ای را نیز بهره‌مند و پایدار سازد. **کلیدواژه‌ها:** شهرهای کوچک، دیدگاه‌های توسعه پایدار، برنامه‌ریزی پایدار فضایی.

## ۱. مقدمه

نگرانی‌های موجود دربارهٔ اضمحلال محیط و کاهش منابع طبیعی، توسعه پایدار را به مفهومی کلیدی در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی بدل کرده است (Vouvakı & Xepapadeas, 2008: 473)؛ به طوری که از اواسط دههٔ ۱۹۸۰ م و به دنبال گزارش برانت لند، اصطلاح «توسعه پایدار» در مجامع مختلف به‌عنوان رویکرد جدید توسعه مطرح می‌شود (Baker, 2006: 6). یکی از موضوع‌های مهم در توسعه پایدار که طی سال‌های اخیر، جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده، توسعه پایدار شهری است که برخی آن را الگووارهٔ نوین و مسلط در برنامه‌ریزی شهری معاصر می‌دانند (رازدشت، ع. و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). اهمیت و جایگاه شهرها در توسعه پایدار به حدی است که برخی از صاحب‌نظران توسعه پایدار شهری را شاه‌کلید پایداری جهانی می‌دانند (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۳). توسعه پایدار شهری امروزه به‌عنوان مفهومی بسط یافته و نهادینه شده، چارچوب کلی تحلیل وضعیت سکونتگاه‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهد. بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که این رویکرد توانمندی‌های بسیار زیادی در زمینه شناخت وضعیت و مسائل پیش‌روی سکونتگاه‌های انسانی دارد. سکونتگاه‌های شهری نیز، به‌عنوان نظام‌های جغرافیایی، متأثر از عوامل و نیروهای فضا‌ساز در یک فرایند زمانی-مکانی به وجود آمده‌اند و همواره تحت تأثیر فرایندهای درونی و بیرونی (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، محیطی- کولوژیکی) در حال تغییر و تحول بوده‌اند. در این میان، اگر پذیرفته‌ایم که شهرهای کوچک هم در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی حلقهٔ حیاتی نظام سکونتگاهی و تفکیک‌ناپذیر از آن هستند و از اجزایی مرتبط به هم تشکیل شده‌اند که توسعه پایدار آن‌ها توسعه پایدار محلی و منطقه‌ای را رقم خواهد زد، لازم است بپذیریم که صرفاً تبدیل نقاط روستایی به شهر کوچک فرایندی توسعه‌ای نیست، بلکه توسعه پایدار شهرهای کوچک فرایندی مهم و رویکردی اساسی است که ضرورت بررسی آن مطالعه حاضر را شکل داده است. این گروه از شهرها، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی- فضایی خود در هر منطقه و نحوهٔ تعاملات یا ارتباطات (درونی و بیرونی) خود در گذر زمان، همواره دستخوش تحولاتی شده‌اند. هرچند روند شکل‌گیری و نحوهٔ تکوین ساختاری- عملکردی این گونه از شهرها، در گذشته به صورت تدریجی بوده است، در دهه‌های اخیر سازمان‌یابی فضایی و عملکرد نظام سکونتگاهی این شهرها از یک



سو تحت تأثیر تحولات اقتصادی - اجتماعی نظام جهانی بوده است و از سوی دیگر به اقتضای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و سازمان‌های مختلف که برای توسعه آن‌ها اتخاذ و اجرا شده، دست‌خوش تغییر و تحولات زیادی شده است (نظریان، ۱۳۸۶: ۴۵). توجه نکردن به نقش و اهمیت شهرهای کوچک و عدم شناخت صحیح جایگاه و پایگاه این شهرها سرمایه‌گذاری‌های مربوط به آن‌ها را به حداقل رسانده و مشکلات متعددی به وجود آورده است که از مهم‌ترین آن‌ها ناپایداری این سکونتگاه‌ها است (برزگر به نقل از حاجی‌علیزاده، ۱۳۹۳: ۳).

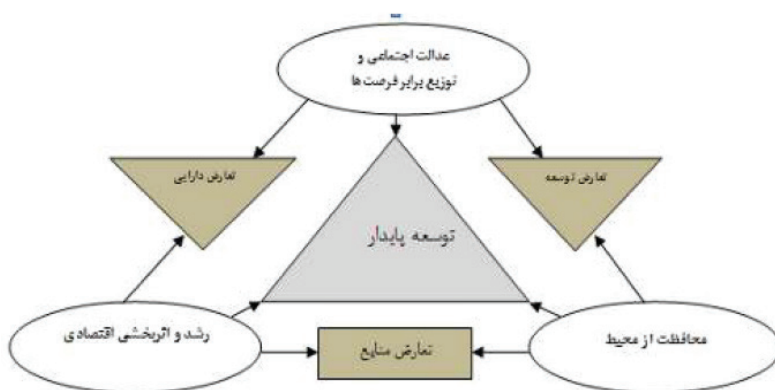
بنابر برآوردهای سازمان ملل، در آینده‌ای قابل‌پیش‌بینی بیشترین نرخ رشد شهرنشینی در شهرهای کوچک و میانه‌اندام روی خواهد داد (Cohen, 2005: 11). از این رو، شناخت و تدوین راهبردهایی برای توسعه پایدار این شهرها اجتناب‌ناپذیر است. ضمن اینکه توسعه پایدار شهرهای کوچک بستر ساز و سنگ‌بنای تحقق توسعه پایدار در شهرهای میانی و بزرگ خواهد بود؛ چرا که پایداری توسعه در شهرهای کوچک می‌تواند مسائل عدم توازن در نظام اسکان شهری را تعدیل کند. بنابراین، اهمیت و ضرورت پایداری شهرهای کوچک را می‌توان این‌گونه بیان کرد: پایداری توسعه در ساختار درونی شهرهای کوچک تضمین‌کننده پایداری توسعه در سطوح پایین نظام سکونتگاهی (روستاها و روستا - شهرها) و سطوح بالای این نظام (شهرهای میانی و بزرگ) است (برزگر، ۱۳۹۳: ۲۲).

توسعه شهرهای کوچک روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می‌تواند به‌عنوان راهبردی در مقابل رشد شهرهای بزرگ عمل کند (ضرابی، ۱۳۸۰: ۱۰). با این حال، به‌نظر می‌رسد چنین رشد و توسعه‌ای در صورتی شکل خواهد گرفت که خود این شهرها از درون و در مقیاسی خرد دچار مشکلات شهرهای بزرگ نباشند و فضای مناسب را برای نسل کنونی و آینده فراهم سازند. بنابراین، با توجه به افزایش شهرهای کوچک و گسترش آن‌ها، منطقی است که یک برنامه منسجم برای توسعه همه‌جانبه این شهرها و البته متناسب با آن‌ها پیش‌بینی شود. شهرهای کوچک امری پایه‌گذار شهرهای بزرگ آینده‌اند که با پذیرش کارکردهای جدید و توسعه کارکردهای فعلی و گسترش فیزیکی، در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب، به شهرهای بزرگ‌تر با مشکلات و محدودیت‌های گوناگون تبدیل می‌شوند (فنی و باقری، ۱۳۹۴). از این رو، برنامه‌ریزی برای پیشرفت پایدار شهرهای کوچک رویکردی جدید در حیطه مطالعات شهری است، اما پرسش مهم این است که پیشرفت پایدار این سکونتگاه‌ها براساس پشتوانه‌های نظری کدام دیدگاه محقق خواهد شد؟

مطالعه شناختی - تبیینی حاضر، با مرور دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به پایداری شهرهای کوچک، به بسط مفهومی - کارکردی اهمیت و جایگاه این گروه از شهرها در پایداری اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و اکولوژیکی ساختار درونی و بیرونی آن‌ها در سطوح منطقه و محلی کمک خواهد کرد.

## ۲. توسعه پایدار: تبیین مفاهیم و مبانی اندیشه‌ای

طی دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه پایدار به‌عنوان چارچوبی برای تبیین و شناخت روند توسعه اقتصادی، اجتماعی و مدیریت منابع طبیعی در سراسر جهان مطرح شده است. توسعه پایدار نقطه عطف پارادایم جدید است که پس از پنج دهه چالش‌های نظری و عملی در زمینه توسعه در جوامع انسانی پایه عرصه اندیشه و عمل گذاشته است تا با پیوند نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی، توسعه را به مفهومی انسانی، متعالی، چندبعدی، همه‌جانبه، متوازن و پایدار بدل کند (یاری به نقل از فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۳).



Source: Campbell, 1996, p.63

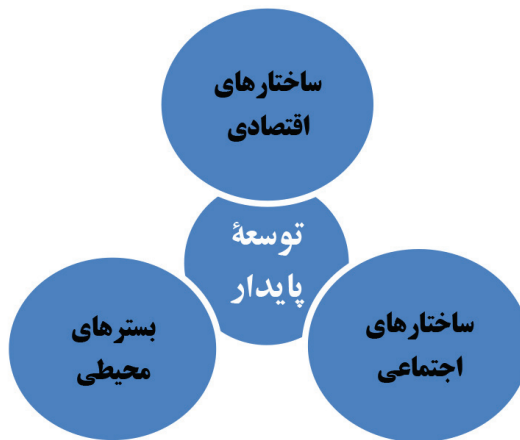
### شکل ۱. رسالت توسعه پایدار: برقراری توازن میان ابعاد و اهداف متعارض توسعه

منبع: Campbell, 1996: 63

طرف‌داران پارادایم توسعه پایدار معتقدند که درس‌های اکولوژی می‌تواند و، در عین حال، باید در فرایندهای اقتصادی به کار گرفته شوند (Radcliff, 1997: 37). مفهوم توسعه پایدار تاکنون از دیدگاه‌های مختلف علمی و بنا به مقاصد خاص تعریف شده و در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شده است (Winograd & Farrow, 2010: 4). این تعاریف را می‌توان در قالب مفاهیم متنوعی دسته‌بندی کرد؛ از جمله بیان چشم‌اندازها (Lee & Green, 1993: 562)، تبادل ارزش‌ها (Clark, 1989: 51)، توسعه اخلاقی، بازسازماندهی اجتماعی، حرکت به سوی آینده بهتر، به‌خطر نینداختن کیفیت محیط‌زیست (صرافی، ۱۳۷۸: ۱۲؛ Avijiti, 1998: 98؛ 3؛ Overton, 1999)، توانمندسازی مردم، ایجاد ظرفیت‌های جدید، احترام به اطلاعات و دانش بومی، افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴؛ Do-Umana, 2000؛ bie, 2004)، رسانیدن انسان به مرحله رضایت از زندگی و آزادی انتخاب و برابری در دسترسی



به فرصت‌ها (Axinn & Axinn, 1997: 196). این مفاهیم همگی به‌نوعی تبیین‌کننده ایده محوری توسعه پایدار، یعنی برآورده ساختن نیازهای نسل حاضر با در نظر گرفتن نیازهای نسل آتی، هستند (Tanguay et al, 2010: 407؛ Wced, 1987: 5) و در چارچوب همپوشانی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و بسترهای محیطی نمود پیدا می‌کنند (Doody et al, 2009: 1129). هریک از این ساختارهای سه‌گانه جنبه‌های خاص خود را دارند و اهداف آن‌ها متفاوت است (Zaslow et al, 2000؛ معارفی، ۱۳۸۱: ۷۳؛ ۱۲) (شکل ۲).



شکل ۲. پیوند و همپوشانی اجزای پایداری

منبع: Doody et al, 2009: 129

محل تلاقی این سه دایره جایگاه پایداری را نشان می‌دهد و حرکت باید به‌سوی آن باشد. فرایندی که در آن دایره‌ها به‌سمت یکدیگر حرکت می‌کنند و تقریباً بر روی هم منطبق می‌شوند. هرگاه دایره‌های اجتماعی، اقتصادی در کنار دایره محیط زیست قرار گیرند، فعالیت‌های بشری پایدار خواهد بود (Dodds & Venables, 2005: 8). با این اوصاف، می‌توان گفت پایداری با تداوم طولانی مدت اکوسیستم در حمایت از زندگی انسانی و رفاه اجتماعی توصیف می‌شود که با یک اقتصاد پرتنین حمایت شده، با سلامت اکوسیستم پایدار می‌شود. به‌دیگر سخن، پایداری در بهترین توصیف وضعیت یا شرایطی است که در طول زمان دوام دارد. برای تحقق پایداری جامعه باید شرایطی را برآورده کند که آن را پایداری تعریف می‌کنند. این شرایط می‌تواند شامل این موارد باشد: برابری اجتماعی، محافظت از محیط طبیعی، حداقل‌سازی استفاده از منابع غیر قابل احیا، تنوع و بالندگی اقتصادی، خوداتکایی اجتماعی، رفاه فردی و ارضای نیازهای انسانی.



### ۳. دیدگاه‌های موجود دربارهٔ توسعهٔ پایدار

در زمینهٔ توسعهٔ پایدار، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک تحلیل خاص خود را از مبحث توسعهٔ پایدار ارائه می‌کند. این دیدگاه‌ها، براساس چارچوب فکری خود، عوامل ایجادکنندهٔ بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و اقتصادی را شناسایی می‌کنند و مبتنی بر همین عوامل نیز راه‌حل‌هایی مناسب برای دستیابی به توسعهٔ پایدار ارائه می‌دهند.

مکاتب فکری متفاوت و متعددی در ارتباط با توسعهٔ پایدار قابل تشخیص است که می‌توان آن‌ها را در طیفی از تفکرات مدرنیسم تا رادیکالیست‌های تندرو طبقه‌بندی کرد. هر یک از این مکاتب فکری بر مجموعه‌ای از اصول و قواعد تأکید می‌ورزند و همین امر آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند. در اینجا، برخی از نگرش‌های اصلی در حوزهٔ توسعهٔ پایدار و اکاوی می‌شود که هر کدام برای سؤال‌های موجود در این حوزه پاسخ‌های مشخص و متفاوتی دارند.

به‌طور کلی، دیدگاه‌های موجود در ارتباط با توسعهٔ پایدار را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱) دیدگاه‌های مدرن؛

۲) دیدگاه‌های میانه؛

۳) دیدگاه‌های ساختارگرا.

هر کدام از این دیدگاه‌ها شامل مجموعه‌ای از نظریه‌ها است که چارچوب نظری، فکری و برنامه‌ای آن‌ها را تشکیل می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با توسعهٔ پایدار

دیدگاه‌ها	نظریه‌ها	نظریات مرتبط
دیدگاه‌های مدرن	محیط‌گرایی با محوریت بازار نوگرایی اکولوژیک	اقتصاد نئوکلاسیک
دیدگاه‌های میانه	مردم‌گرایی نوین محیط‌زیستی توسعهٔ مردمی	توانمندسازی مشارکت ظرفیت‌سازی
دیدگاه‌های ساختارگرا	نئومالتوسین‌ها توسعهٔ سبز انتقادی	توسعهٔ سبز انتقادی آنارشسیسم ضدانسانی ساده‌محور اکوآنارشسیسم انسانی مارکسیسم سبز اکوفمینیسم رادیکال

منبع: یاری، ۱۳۹۰: ۳۴، به نقل از سعیدی، ۱۳۸۶



### ۳.۱. دیدگاه مدرن

۳.۱.۱. محیط‌گرایی با محوریت بازار.<sup>۴</sup> محیط‌گرایی مبتنی بر اصول بازار در واقع معادل تفکر توسعه‌پایدار مبتنی بر لیبرالیسم است. این تفکر حاوی مجموعه قواعدی است که افرادی چون گلسو و لاوره<sup>۵</sup> آن را محیط‌گرایی بازار می‌نامند. این مجموعه عقاید عبارت‌اند از: سودگرایی، فردگرایی و انسان‌محوری. این تفکر بازار را ابزار دستیابی به توسعه پایدار می‌داند و بر روی آن تأکید خاصی دارد و معتقد است با به کارگیری سازوکار بازار می‌توان ارتباط بین مردم و ارتباط آن‌ها را با محیط طبیعی تنظیم و اداره کرد (Adams, 2001: 109).

این رویکرد، در پیوند با توسعه، رشد و پیشرفت‌های فناوری در اقتصاد بازار آزاد به مثابه اصلی اساسی پذیرفته شده است. در این رویکرد، موفقیت و کارایی و توانمندی ارزش‌های مکانی بازار به کارکردهای محیطی و اقتصادی آن وابسته است. استدلال این رویکرد در تلاش برای هم‌سویی با تعاریف WCED<sup>۶</sup> و حمایت از آن‌ها است. این رویکرد بر این باور است که با تغییر شکل اقتصاد، همانند تحلیل هزینه و فایده، امکان توجیه ارزش‌ها و معیارهای محیطی و اطمینان از برخورداری نسل آینده از مواهب و امکانات همانند مردم معاصر وجود دارد (Jennifer A. Elliot, 1994: 112).

بر اساس اصول اقتصاد آزاد، حکم‌فرمایی شرایط بازار موجب می‌شود که، در صورت کمیاب شدن منابع طبیعی، قیمت آن افزایش یابد. این امر در وهله نخست موجب صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف منابع طبیعی می‌شود. دوم آنکه قیمت‌انگیزه‌های لازم برای دستیابی به منابع جایگزین را فراهم می‌آورد. سوم آنکه قیمت‌عاملی است که فناوری برای استفاده بهتر یا ایجاد و اصلاح منبع مذکور استفاده گسترده‌ای از آن می‌کند و با توجه به اینکه در به کارگیری فناوری هزینه‌ها اصلی انکارناپذیر است، افزایش قیمت باعث توجیه اقتصادی این موضوع شده، و در نتیجه، فناوری امکان حل مشکل را به وجود خواهد آورد. به این تفکر انتقادات بسیاری وارد است که عمده‌ترین آن‌ها متوجه سازوکار بازار است.<sup>۷</sup>

۳.۱.۲. نوگرایی اکولوژیک. نوگرایی اکولوژیک در تفکرات مدرنیسم ریشه دارد و از لحاظ نوع نگرش به مسائل زیست‌محیطی می‌توان آن را در طیف فکری فن‌محورانه<sup>۸</sup> طبقه‌بندی کرد. نوگرایی اکولوژیک دیدگاهی است که خطرهای اکولوژیک ناشی از عدم واقع‌بینی و جامعیت بازار را تشخیص داده است و عقیده دارد که نوگرایی سرمایه‌داری

4. Market Environmentalism.

5. Glesso and Lawer.

6. Report of the World Commission on Environment and Development

۷. برای مطالعه بیشتر رک: Adams.W.M. Green Development Rutledge, 2001: 110

8. Techno centrist



دارای قابلیت خوداصلاحی است. منشأ نوگرایی اکولوژیک برنامه‌تنظیم‌شده جهت‌داری است که دولت آلمان در واکنش به باران‌های اسیدی در دهه ۱۹۸۰ و دولت ژاپن در دهه ۱۹۷۰ م به کار گرفتند. نوگرایی اکولوژیک از اواسط دهه ۱۹۸۰ م در تداوم برنامه پذیرش دستور ۲۱ به یک رویکرد غالب تبدیل شد (Adams, W, 2001: 110). با عنایت به این بنیان‌های فکری اساس تفکرات پیروان نوگرایی اکولوژیک از این قرار است:

۱. تأکید بر اصلاح تا تغییر (پذیرش روندهای رشد و توسعه موجود)؛

۲. تأکید بر نقش فناوری در حفظ و حمایت از محیط‌زیست؛

۳. پذیرش نقش بازار به‌رغم انتقادات از عملکرد آن؛

۴. تأکید بر عقلانیت.

بر مبنای نظریه عمومی نوسازی، جامعه به دو بخش سنتی و مدرن تقسیم می‌شود. تمرکز نظریه مدرنیسم بر روی ویژگی‌های جوامع سنتی و مدرن و نحوه گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن است.

دیدگاه نوگرایان اکولوژیک اصلاح‌گرایانه است. آن‌ها خطرهای اکولوژیک ناشی از عدم جامعیت بازار را درک کرده‌اند اما در درون ساختار سرمایه‌داری، ویژگی‌هایی وجود دارد که به آن خصیصه اصلاح‌گرایانه می‌دهد. به همین دلیل نیز اسپارگرن و مول<sup>۹</sup> اعتقاد دارند که، براساس نوسازی اکولوژیک، می‌توان بدون خارج شدن از مسیر نوسازی بر بحران‌های زیست‌محیطی غلبه کرد (Adams, 2001: 112).

محور تفکرات نوگرایان اکولوژیک را الگوهای فن‌محورانه تشکیل می‌دهد. نوسازی اکولوژیک فرض می‌کند که روند نوسازی سرمایه‌داری را می‌توان از طریق تنظیم دقیق بازار، دولت و فناوری اصلاح کرد؛ لذا رویکردی فن‌محور محسوب می‌شود که به دنبال بهبود برنامه‌ریزی، مدیریت و تنظیم و بهره‌برداری بهتر انسان از محیط است. فرض نوسازی اکولوژیک بر این است که رشد اقتصادی سرمایه‌داری تداوم دارد با این حال با دقت به تنظیم موارد فناورانه و مرزها می‌پردازد. بر این مبنای، هاجر<sup>۱۰</sup> عنوان می‌کند که نوگرایی اکولوژیک نیازمند مفاهیم علمی، اجتماعی و اقتصادی خاصی است که موضوعات زیست‌محیطی را قابل محاسبه سازد و انتخاب‌های اجتماعی عقلانی را تسهیل کند (Ibid: 136-111).

در این رویکرد، مفهوم پایداری یعنی اینکه جامعه چگونه می‌بایست تعامل با محیط طبیعی را عقلانی کند. مورفی<sup>۱۱</sup> عقلانیت (اندیشه‌ورزی آگاهانه) را ابزاری برای دستیابی به نتیجه تعریف می‌کند که جهت‌گیری آن بر مبنای پیش‌بینی و محاسبه پیامدها است. لذا، ناتوانی

9. Sparbaren & Mol

10. Hajer

11. Murphy





محیط توأم با صنعتی شدن ناشی از اشتباهات طراحی است و شکست در عقلانیت مدیریت زیست‌محیطی، چنان‌که مورفی اشاره می‌کند، به دلیل عدم محاسبه فاکتورهای اکولوژیک و بی‌اعتنایی به توسعه عقلانیت به اندازه کافی، به‌ویژه از لحاظ دیرپایی، است. بنابراین مدرنیزاسیون/نوگرایی اکولوژیک به تشدید عقلانی کردن شرایط اکولوژیک تحت شرایط سرمایه‌داری می‌پردازد (Adams, 2001: 186).

بدیهی است که این نگرش با انتقاداتی مواجه است. بخش عمده این انتقادات در نقد نوگرایی ریشه دارند. اولین و بزرگ‌ترین نقد، نگرش خطی موجود در تفکرات نوسازی و به تبع آن نوسازی اکولوژیک است.

### ۲.۳. دیدگاه‌های میانه‌رو

۳.۲. ۱. مردم‌گرایی نوین محیط‌زیستی.<sup>۱۲</sup> ایده اصلی و مرکزی مردم‌گرایی نوین، اهمیت دادن به مردم است. اگرچه نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها متفاوت است و این نکته‌ای است که در تعریف توسعه پایدار نیز برجسته شده است. این تفکر ابتدا در اروپای شرقی و قبل از جنگ جهانی اول ظاهر شد. این ایده طیفی از عقاید را دربر دارد و به دنبال الگویی از توسعه مبنی بر افراد پیشگام در مقیاس کوچک، در بخش صنعت و کشاورزی است (Adams, 2001: 114). این عقاید در دهه ۱۹۷۰ م، به صورت عمده مطرح شد و در نگرش‌های توسعه جایگاه ویژه‌ای یافت. مهم‌ترین نکات موجود در این تفکر، چنان‌که UNEP اشاره می‌کند تأکید بر تمرکززدایی در بوروکراسی، تمرکززدایی در توسعه (دستیابی به توسعه پایدار در مقیاس محلی) خوداتکایی، اولویت‌بخشی به تأمین نیازهای انسانی و مشارکت عمومی است. این نگرش فن‌محورانه به این مسائل توجهی خاص دارد: اقتصاد زیست‌محیطی؛ ظرفیت شهروندان و توانمندسازی آنان؛ مشارکت مردمی.

اصولاً این رویکرد معتقد است که مردم به صورت بالقوه از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بالایی برخوردارند که باید در جریان توسعه بالفعل شود تا بتوان از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آن‌ها به نحو مطلوب بهره برد. در واقع مشارکت مردم ابزار و هدفی اساسی تلقی شده است که وجود آن برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار الزامی است.<sup>۱۳</sup>

یکی از خصایص این رویکرد مردم‌گرایی آن است و، از این رو، بر تأمین نیازهای اساسی طبقات پایین تأکید می‌ورزد. همچنین در راستای دستیابی به اهداف توسعه ضمن اهمیت دادن به مردم و نیازهای اساسی آنان، با توجه به اینکه بنیان‌های آن بر اساس اقتصاد آزاد شکل گرفته،

12. Environmental Neo-populism

13. Ibid: 136



از اصول اقتصاد آزاد متأثر است و، به همین دلیل، فناوری در دستیابی به توسعه پایدار اهمیت می‌یابد (الیوت، ۱۳۷۸: ۱۳۹). آدامز برای این رویکرد خصایصی به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱. تمرکز بر نیازهای اساسی. این نگرش به فرایندی بازمی‌گردد که آماده‌ارضای نیازهای اساسی و ضروری انسانی است و با پاسخگویی به نیازهای فقرا و نیازمندترین افراد آغاز می‌گردد. این بحث حاصل بحث‌های گسترده‌ی نیازهای اساسی است که در دهه‌ی دوم توسعه یعنی دهه‌ی ۱۹۷۰ پدیدار شد.

۲. رویکرد اساسی تفکر و توسعه پایدار مستلزم مشارکت است؛ لذا، به‌دنبال برنامه‌ریزی مشارکتی و فعالیت‌های بنیادین است. نگرش مشارکت در تفکرات توسعه از دهه‌ی ۱۹۸۰ م به بعد به یک عنصر اساسی و از آن‌پس به ویژگی‌های استاندارد تبدیل شد. توسعه مشارکتی به‌دنبال مشارکت مردمی است که از تغییرات متأثر می‌شوند. بنابراین، ضروری است که مردم در فرایند اجرای تغییرات آن مشارکتی آزادانه داشته باشند.

۳. توسعه نیازمند ساختاری افقی، محدود در مقیاس و متمایل به تنوع، انعطاف و تعامل است.

۴. توسعه پایدار به‌دنبال ایده‌ی فناوری متوسط و مناسب است. موضوعی که آغاز آن به سال ۱۹۷۰ م و کتاب کوچک زیباست بازمی‌گردد (Ibid: 115-116).

۳.۲.۲. توسعه مردمی. هر الگوی توسعه که انتخاب شود باید از ویژگی‌هایی بهره‌مند باشد که مهم‌ترین آن‌ها قرارداد دادن اقصاء مختلف مردم در کانون توجه است. به‌طور کلی، اقدامات توسعه و توسعه پایدار در این راستا قرار دارد که مردم در نهایت به حداقل رفاه دست یابند؛ ضمن اینکه در درون محدودیت‌های موجود الگوی توسعه خود را به نحوی انتخاب کنند که بتوانند روندی پایدار را تجربه کنند. از جمله رویکردهایی که از این خصیصه برخوردار است رویکرد توسعه مردمی است. این رویکرد سنگ‌بنای خود را بر نقد رویکردهای موجود نهاده است و می‌کوشد با جبران ضعف‌های موجود و تأکید ویژه بر مشارکت مردمی و نقش مردم الگویی مناسب برای توسعه ارائه دهد.

بر اساس این رویکرد، برنامه‌ریزی نباید مرکزی، بزرگ‌مقیاس، سرمایه‌بر و اداره‌شده توسط نخبگان باشد، بلکه برنامه باید مبتنی بر شرایط ناحیه‌ای باشد و با توجه به سازوکارهای نهادی فرصت‌های واقعی را برای مشارکت بخش اعظم مردم در فرایند تصمیم‌گیری مرتبط با برنامه‌ریزی فراهم سازد. با توجه به فقر نسبی در کشورهای جهان سوم و تنوع و گاه تفاوت‌های بنیادین اقتصادی و اشتغال بخش عمده مردم در بخش اول اقتصاد لازم است علایق و همچنین پیوندهای بخش اول با سایر بخش‌ها مدنظر قرار گیرند. در این راستا در برنامه‌های اجرایی، مردم دارای نقش اساسی هستند و می‌توانند از طریق نهادهای عمومی نقش مهمی در فرایند



برنامه‌ریزی ایفا کنند. در این سیستم برنامه‌ریزی به‌جای ارتباط رقابتی بر ارتباط تکمیلی تأکید می‌شود. روابط اجتماعی - اقتصادی بین طبقات، گروه‌های اجتماعی و بخش‌های اقتصادی و از نظر فضایی بین نواحی روستایی حاشیه و کانون شهری، به‌جای رقابتی بودن، تکمیلی خواهد بود.

در این رویکرد، فضا جدا از سایر نظام‌های اجتماعی - اقتصادی دیده نشده است و، به‌صورت تاریخی، به روابط میان آن‌ها مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. تفکیک فضاها به شهری/روستایی/مرکز/پیرامون آسان است، اما بسیار مشکل خواهد بود، اگر به‌جای فضاها، انسان و مردم مدنظر قرار گیرند و برنامه‌ریزی براساس آن‌ها انجام شود. براساس تعاملات مبتنی بر فضا، گروه‌های مختلف و طبقات متفاوت اجتماعی یعنی روستایی - شهری و مرکز - پیرامون تحت تأثیر قرار می‌گیرند. لذا، باید از رویکرد فضا عبور کرد و به ارزیابی جریان کالاها و سایر تعاملات فضایی و علل آن‌ها پرداخت؛ همچنان‌که باید نقش پارامترهای مختلف و اجزای فضا همچون کاربری اراضی، الگوی اجاره‌داری، سیستم فعالیت‌های روستایی، سلسله‌مراتب روستایی، روابط مرکز و پیرامون را بررسی نمود. در این راستا، بسترهای ایجادکننده چنین روابطی حائز اهمیت هستند که به روابط تولید، بازتولید اجتماعی و ساختار سیاسی تصمیم‌گیری و مدیریت بازمی‌گردد. فضا حاصل فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است و لذا تنظیم، ارزیابی و جهت‌دهی به این فعالیت‌ها منجر به شکل‌گیری فضا می‌شود. پس پیش‌رفتن به سوی حرکت‌های اجتماعی مبتنی بر مکان می‌تواند نقش فرایندهای در تعدیل نابرابری‌های فضایی داشته باشد. اجتماعات و نواحی بخشی از ساختار فرهنگی اجتماعی هستند که کانون هویت‌یابی و آگاهی گروه‌ها را شکل می‌دهند. مکان‌گرایی، بیشتر ناشی از رفتارهای فرهنگی - اجتماعی است تا صرفاً اقتصادی. لذا فضا ترکیبی است از یک مقطع زمانی در تاریخ که ابعاد مختلف دارد. فضا تنها بخشی از محیط طبیعی نیست بلکه جزئی از ساختار فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی است. بر همین اساس، برنامه‌ریزی فضایی نادرست مانع مشارکت فعال و مؤثر مردمی است. از این رو، برنامه‌ریزی باید به نحوی باشد که بتواند از منابع محلی استفاده کند. مهم‌ترین منبع محلی را مردم و عقاید آن‌ها تشکیل می‌دهند و باید در فرایند برنامه‌ریزی راه‌یابند و مداخله کنند. فنون برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که بروز عقاید مردم، مداخله در تصمیم‌گیری و روند اجرای برنامه‌ها در آن مجاز باشند. لذا، تأکید بر روش‌های مشارکتی طراحی و اجرا است. نباید به‌صورت مجزا به فضا نگریسته شود؛ زیرا مشکلات فضا با محتوای آن در سرزمین پیوند خورده است و ارتباط تنگاتنگی با منابع از جمله منابع قدرت دارد و در این راستا مردم می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند (Adams, 2001: 86).

برنامه‌ریزی فضایی مستلزم تحلیل ساختارهای فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و همچنین



سیاسی است و بدون آن به شکست خواهد انجامید. ضمن اینکه با الگوی قدرت برنامه‌ریزی فضایی در سطوح مختلف محلی و منطقه‌ای تا ملی به هم پیوند خورده است و بدون توجه به این ملاحظات نیز برنامه‌ریزی فضایی در حاشیه

آموزش اجتماعی باشد که فضایی برای ابراز عقاید و چشم‌اندازهای گروه‌های متفاوت فراهم می‌سازد. بنابراین طراحی نهادی فرایند برنامه‌ریزی باید باز باشد و قابلیت واکنش در مقابل شرکت‌کنندگان با تنوع بسیار بالای منابع محلی در آن گنجانده شده باشد.

بررسی راهبردهای فضایی باید با اطلاع از بسترهایی سیاسی و تحلیل آن‌ها انجام گیرد که این راهبردها در درون آن صورت می‌پذیرد. این بدان معنا است که مفهوم برنامه‌ریزی فضایی صرفاً یک شگرد یا فرایند سیاسی نیست. غفلت از روابط قدرت و سیاست از مشکلات کلانی است که برنامه‌ریزی را دچار خدشه می‌کند. مشکلات فضایی در سطوح محلی / ناحیه‌ای انعکاس‌دهنده اشکالات عمیق تراجمی-اقتصادی است که حل نمی‌شوند مگر اینکه روابط تولید و بازتولید اجتماعی تحلیل شوند. چنین تحلیلی ریشه بسیاری از مشکلات را توأم با الگوهای طبقاتی، جنسیتی، اخلاقی / قومی و سایر روابط اجتماعی آشکار می‌کند.

از سوی دیگر، چارچوب فضایی می‌بایست با سطوح بالاتری از قدرت در حد ملی و بین‌المللی پیوند بخورد. همچنین باید ملاحظات لازم در خصوص مواردی چون پیامدهای محلی و ناحیه‌ای سیاست‌های دولت، مسیر کلی توسعه و انطباق با ویژگی‌های کشور مدنظر قرار گیرد. همه این ملاحظات برای درک اینکه چرا فقراً عموماً از لحاظ اقتصادی و سیاسی در حاشیه می‌مانند الزامی است؛ به‌رغم اینکه مهم‌ترین تلاش‌ها برای توسعه از طریق طرح‌های محلی صورت می‌گیرد (سعیدی، ۱۳۸۶: ۴۸).

### ۳.۳ دیدگاه‌های ساختارگرا

۳.۳.۱ نگرش نئومالتوسین‌ها. از جمله نگرش‌های موجود درباره توسعه پایدار، می‌توان به تفکرات گروه نئومالتوسین‌ها اشاره کرد. البته این دیدگاه مربوط به چالش‌های توسعه پایدار مبتنی بر تفکرات و دیدگاه‌های مالتوسی در ارتباط با محدودیت رشد در دهه هفتاد است. نظرهای این گروه بیشتر درباره رشد و رشد جمعیت است و مهم‌ترین محور انتقادات آن‌ها در حیطه توسعه سنتی و راهبردهای صنعتی شدن است. این نگرش به شدت محیط‌گرا است و به‌ویژه در ارتباط با جهان سوم بسیار سختگیرانه عمل می‌کند.

ارلیش<sup>۱۴</sup> فرض می‌کند که به دلیل رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، این



تصور که آن‌ها مانند کشور آمریکا تحت هر شرایط توسعه یابند، غیرممکن است. می<sup>۱۵</sup> از جوامع بزرگ مرگ آور سخن می‌گوید و معتقد است که هیچ چشم‌انداز روشنی درباره تغییر در جهان سوم و بهبود حیات بخش و پایدار جمعیت وجود ندارد. لذا، دستور سیاسی این گروه مبتنی بر رشد صفر جمعیت است که متمایل به نوعی استبداد است. میرز<sup>۱۶</sup> موضوع جهانی شدن فن محورانه سیاسی را مطرح می‌کند که با قدرت فراملی برخی از جوامع جهانی توأم است. راهبرد جهانی برای خوداتکایی در جنوب از نظر این گروه، معادل تلاش برای بهینه‌سازی تعادل بین تعداد جمعیت و منابع در دسترس محلی و سبک زندگی مناسب از لحاظ فرهنگی است. رایدل<sup>۱۷</sup> تلاش می‌کند مجموعه‌ای از عملکردها را ارائه کند که می‌توانند این تعادل را مهیا کنند. اصول توسعه رایدل شامل این موارد است:

۱. استقرار چارچوب ایدئولوژیک؛
۲. فعال و قوی کردن یکپارچگی سیاسی و اداری؛
۳. دستیابی به یکپارچگی جهانی؛
۴. کاهش فقر و گرسنگی؛
۵. ریشه کن کردن امراض و بیماری‌ها؛
۶. کاهش جمعیت؛
۷. حرکت به سمت خوداتکایی؛
۸. پاک کردن شهرها از حاشیه‌نشینی؛
۹. برقراری تعادل جمعیت و منابع؛
۱۰. حفاظت از منابع؛
۱۱. حفاظت و حمایت از محیط‌زیست (Adams, 2001: 143, 144).

تفکر نئومالتوسی به ارتباط ثابت میان جمعیت و منابع معتقد است و ضمن اعتقاد شدید به حفظ محیط بر ایجاد اعتدال در رابطه میان جمعیت و منابع به شدت اصرار می‌ورزد. از سوی دیگر، در نظر این افراد تعداد جمعیت در روند دستیابی به توسعه پایدار عامل تعیین‌کننده‌ای به‌شمار می‌رود. به این ترتیب، تصاعد جمعیت با افزایش همگن نبوده، تداوم رشد جمعیت به ناپایداری توسعه منجر می‌گردد. بر نئومالتوسین‌ها انتقادات چندی وارد است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. عدم ثبات ارتباط بین جمعیت و محیط؛
۲. عدم حساسیت نظریه‌های نئومالتوسی نسبت به ویژگی‌های اجتماعی؛

15. May  
16. Meyers  
17. Riddell



۳. بیشتر بودن فشار وارده به محیط در کشورهای پیشرفته نسبت به جمعیت کشورهای در حال توسعه.

۲.۳.۳. توسعه سبز انتقادی. این رویکرد شامل تفکرات رادیکالی است که منتقد وضعیت و مدل‌های توسعه هستند. آن‌ها مخالف تفکرات توسعه پایداری و انتقادات عمده‌ای به مدل‌های غالب دارند.

اقتصاد سرمایه‌داری کانون توجه سبزه‌های منتقد است. عقیده بر این است که تفکرات نوسازی و سرمایه‌داری جوامع را از هم گسیخته است. گسترش اقتصاد جهانی در همه کشورهای تمامی جوامع ماقبل سرمایه‌داری را حذف خواهد کرد (Ibid: 140). لذا باید با این روند مبارزه کرد و تا حد امکان در راه گسترش سرمایه‌داری موانعی ایجاد کرد چرا که بحران‌های موجود حاصل حکم‌فرمایی نظام سرمایه‌داری است.

هنتر و فرایبرگ<sup>۱۸</sup> مهم‌ترین نقدها را به پارادایم توسعه وارد کرده‌اند. آن‌ها این عقیده را که توسعه فرایندی تغییرناپذیر است رد می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها توسعه را مردم می‌سازند و آگاهی انسانی و خواسته‌ها عناصر قطعی در فرایندهای توسعه‌اند. لذا، کشورهای توسعه‌یافته هرگز الگوی مناسبی برای توسعه جنوب به‌شمار نمی‌آیند. آن‌ها مسیر توسعه را مبتنی بر واقع‌بینی می‌دانند. خود واقع‌بینی مبتنی بر تمامی جنبه‌های وجود است. بنابراین توسعه باید درون‌زا باشد. آن‌ها چهار اصل را برای توسعه درون‌زا تعریف می‌کنند:

۱. اجتماع‌گرایی (توسعه‌ای که از ارزش‌ها و نهادهای فرهنگی تعریف شده توسط جامعه برمی‌آید)؛

۲. خوداتکایی (در مقیاس‌های متفاوت جامعه نه به‌صورت استبدادی)؛

۳. عدالت اجتماعی؛

۴. تعادل اکولوژیک (دال بر آگاهی از قابلیت اکوسیستم‌های محلی و محدودیت‌های جهانی و محلی) (Ward, 2000: 69).



## جدول ۲. مقایسه تطبیقی ویژگی‌های دوراهبرد مدرن و غیرمدرن (سرخ و سبز)

ویژگی	استراتژی مدرن	استراتژی سبز
نظام درونزا	اقتصاد سرمایه داری	فرهنگ تکنیکی
دشمن	سرمایه داران	تکنوکراتها
نگرش اجتماعی	سوسیالیست اجتماعی	اجتماعات محلی
روش	انقلاب گسترده از بالا به وسیله انقلاب طبقه کارگر سوسیالیسم	انقلاب محدوده گروه های کوچک، حذف نظام و دفاع از شیوه زیست
محور اصلی	ماتریالیست هویت اشتراکی، مالکیت	نیازهای اساسی، هویت فردی و آزادی
ذات فرد جدید	تحول اجتماعی قبل از فردیت	شبیه سازی و تحول اجتماعی
رهبری	طبقه روشنفکر	نخبگان پست ماتریالیست
بنیاد اجتماعی	طبقه کارگر	مردم حاشیه ای
بنیادهای نهادی	سایت های بزرگ صنعتی	اجتماع واحدهای کوچک همسایگی
سازمان	رسمی مرکزگرا	غیررسمی، تمرکز زدا
ایدئولوژی	عقلایی و تجردی	باز و هماهنگ و بصیر

منبع: Ward, 2000: 91

**۳.۳.۳. دیدگاه رادیکال.** این دیدگاه، ضمن توجه به مسائل زیست محیطی، تمامی مشکلات ایجادشده را ناشی از رویکردهای سرمایه داری، جهانی شدن و سایر مسائل وابسته به آن می داند. تفکرات مارکسیستی حرکت خود را از طبقات کارگر آغاز می کند و اعتقاد دارد که جز با حرکت انقلابی نمی توان به نتیجه دست یافت. براساس بنیان های این تفکر، برنامه ریزی در شکل سرمایه داری، ابزاری است برای انعطاف پذیری، حفظ و حمایت سرمایه داری که نمی تواند منشأ توسعه باشد و رفاه را برای جامعه و به ویژه اقشار و طبقه های پایین جامعه به ارمغان آورد. دولت ها نیز تحت نفوذ سرمایه داری به حفظ و حمایت آن کمک می کنند. تنها راه حل، اقدامی انقلابی است تا از این طریق ضمن نابودی روش های موجود روش هایی نوین و مبتنی بر اصول مارکسیستی، ماتریالیستی بنا نهاده شود و جامعه بر مبنای آن در راه توسعه گام بردارد (Adams, 2001: 153).

## ۴. جمع بندی دیدگاه های مطرح شده و ارائه دیدگاهی نو

با توجه به آنچه گفته شد، در یک جمع بندی از دیدگاه های مطرح شده در زمینه توسعه پایدار، نگرش های مدرن (شامل نظریه نوگرایی اکولوژیک و محیط گرایی با محوریت بازار) بازار عامل اصلی پایداری سکونتگاه ها است. در نگرش های میانه رو (شامل نظریه های توسعه مردمی و محیط گرایی مردمی نوین) عوامل و شاخص های اجتماعی و فرهنگی و در نگرش های



ساختار گرایانه، عوامل محیط‌زیستی، نقش مهمی در توسعه پایدار سکونتگاه‌ها بازی می‌کنند. به عبارتی در هر کدام از دیدگاه‌های مطرح‌شده، پایداری سکونتگاه‌ها صرفاً با تأکید بر عوامل خاصی محقق خواهد شد و هیچ‌کدام نگاهی کل‌نگر و جامع نسبت به تمامی ابعاد توسعه پایدار ندارند. برای پایداری‌سازی سکونتگاه‌های کوچک شهری به کارگیری پشتوانه‌های نظری دیدگاهی که بتواند نگاهی همه‌جانبه و جامع به ساختار درونی و مناسبات بیرونی در این سکونتگاه‌ها داشته باشد الزامی است. در این راستا، دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک (مبتنی بر توسعه فضایی پایدار) به واسطه نگاه همه‌جانبه‌ای که به ساختار داخلی شهرهای کوچک دارد، نسبت به سایر دیدگاه‌ها دارای مزیت‌های ویژه‌ای است و می‌تواند با تأکید بر پایداری این شهرها، علاوه بر تقویت ساختار درونی شهرهای کوچک، مناسبات و شرایط محلی و منطقه‌ای را نیز بهره‌مند و پایدار سازد.

#### ۴.۱. دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک (مبتنی بر پیشرفت فضایی پایدار)

از آنجاکه یکی از مسائل و مشکلات نظام برنامه‌ریزی شهری در کشورهای در حال توسعه، افزایش فاصله کیفی و جمعیتی میان کانون‌های بزرگ شهری با شهرهای کوچک و میانی و نواحی روستایی است، گروهی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران این حوزه در پی تبیین و تحلیل این شکاف‌ها در قالب دیدگاه یاری‌کرد توسعه و تقویت شهرهای کوچک و میانی برآمدند. همان‌گونه که هاردوی و همکارش تحلیل کرده‌اند، این دیدگاه در واقع یک برنامه راهبردی شهری است که با اهداف توسعه یکپارچه نقاط در شبکه شهری، تمرکززدایی اداری-سیاسی، و توسعه پایدار شهری - منطقه‌ای سازگاری و انطباق دارد و، در درازمدت، به ایجاد شرایطی منجر می‌شود که توان انجام فعالیت‌های اداری را درون این نقاط شهری تقویت می‌کند و کل منطقه را تحت تأثیر عملکردهای خود قرار می‌دهد. کشورهای آمریکای لاتین و آسیا از این سیاست عدم تمرکز، همراه با توسعه اجتماعی بیشتر استقبال کرده‌اند (Hardoy & Satterth- 234; Waite; 1986). مبانی نظری پایه در این رویکرد عبارت‌اند از:

- شهرهای کوچک، در تعامل مستقیم با نواحی روستایی هستند؛
- تقویت و توسعه درونی این شهرها در درازمدت می‌تواند به کاهش تمرکز ناخواسته صنایع، خدمات و ادارات دولتی در مراکز شهری بزرگ منجر شود؛
- این شهرها می‌توانند، به دلیل ارتباط با روستاها، توسعه روستایی را با اقتصاد شهرهای بزرگ تر ادغام کنند؛
- تقویت این شهرها موجب همبستگی فضای محلی، منطقه‌ای و ملی، و گسترش ابداعات فنی و اجتماعی از شهرهای میانی و بزرگ به مناطق روستایی می‌شود؛
- شهرهای کوچک توان بالقوه برای جذب مهاجران روستایی دارند که می‌خواهند به





شهرهای بزرگ مهاجرت کنند.

- توسعه این شهرها می تواند نقش مهمی در تمرکززدایی فرصت های شغلی، تجاری کردن کشاورزی، و توزیع عادلانه تر رفاه ایفا کند.

- پیشرفت ساختار درونی شهرهای کوچک می تواند در توزیع و گسترش پیشرفت های گوناگون به بخش کشاورزی نقشی کلیدی داشته باشد و دسترسی آسان به زیرساخت های لازم برای نگهداری و آماده سازی محصولات کشاورزی را فراهم آورد.

لازم به ذکر است که شهرهای کوچک، از حیث ساختار کالبدی و جمعیتی، با دیگر شهرها متفاوت اند ولی با تحلیل ساختار اجتماعی و فضایی آن ها مشخص می شود که شهرهای کوچک، در واقع، نسخه و چشم انداز کوچک شده ای از شهرهای بزرگ هستند که مشخصه های متفاوت مهمی دارند. شهرهای کوچک همچنین در زمینه سطح درآمد، بیکاری، فقر، دسترسی ها و پیشرفت آموزشی و ارزش مسکن دچار عقب افتادگی هایی هستند. بر حسب ساختار فضایی - مکانی در هر منطقه، هر شهر کوچک یک هسته و یک ناحیه پیرامونی دارد که همانند شهرهای دیگر، ناحیه حاشیه ای آن، همیشه سریع تر از هسته رشد می کند و سطح درآمد در آن بالاتر ولی تنوع جمعیتی کمتر از هسته شهر است (فنی، ز و همکاران، ۱۳۹۴).

#### ۴.۲. مقایسه دیدگاه های توسعه پایدار و انتخاب دیدگاه غالب

باتوجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق، می توان دیدگاه های مطرح شده در زمینه توسعه پایدار را از نظر تأکیدات اصلی و فرعی و همچنین مزیت ها و کاستی های موجود در آن ها مقایسه کرد، تا بتوان به نظریه ای پایه و بنیادی در راستای تحقق اهداف پایداری در شهرهای کوچک دست یافت. به این منظور ابتدا جدول ۳ و سپس جدول ۴ تنظیم شد.

#### جدول ۳. تأکیدات اصلی و فرعی دیدگاه ها در زمینه توسعه پایدار

تأکیدات اصلی	تأکیدات فرعی	دیدگاه ها
نقش بازار به عنوان عامل اصلی در دستیابی به توسعه پایدار	- تأکید بر سودگرایی، فردگرایی و انسان محوری - تأکید بر بازار به عنوان ابزار دستیابی به توسعه پایدار - تأکید بر اصلاح تا تغییر (پذیرش روندهای رشد و توسعه موجود) - تأکید بر نقش فناوری در حفظ و حمایت از محیط زیست - پذیرش نقش بازار علی رغم انتقادات از عملکرد آن - تأکید بر عقلانیت	دیدگاه های مدرن



<p>دیدگاه‌های میانه‌رو</p>	<p>نقش غالب عوامل اجتماعی و فرهنگی در دستیابی به توسعه پایدار</p>	<p>- فن محورانه است. - به اقتصاد زیست محیطی؛ ظرفیت شهروندان و توانمندسازی آنان؛ مشارکت مردمی توجهی خاص دارد. - توسعه نیازمند ساختاری افقی، محدود در مقیاس و متمایل به تنوع، انعطاف و تعامل است. - توسعه پایدار به دنبال ایده فناوری متوسط و مناسب است.</p>
<p>دیدگاه‌های ساختارگرا</p>	<p>محوریت محیط‌زیست به عنوان عامل اصلی در دستیابی به توسعه پایدار</p>	<p>- مخالفت با راهبردهای صنعتی شدن و تفکرات سرمایه‌داری و نوسازی - به شدت محیط‌گرا است و به ویژه در ارتباط با جهان سوم بسیار سختگیرانه عمل می‌کند. - رشد صفر جمعیت - حرکت به سمت خوداتکایی - پاک کردن شهرها از حاشیه‌نشینی - برقراری تعادل جمعیت و منابع - حفاظت از منابع - حفاظت و حمایت از محیط‌زیست - حساسیت نظریه‌های نئومالتوسی به ویژگی‌های اجتماعی - فشار وارده به محیط در کشورهای پیشرفته از کشورهای در حال توسعه بیشتر است.</p>
<p>دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک مبتنی بر توسعه فضایی پایدار (آمایش شهری)</p>	<p>توجه به همه ابعاد و ساختار درونی (اجتماعی، اقتصادی و محیطی) در راستای دستیابی به توسعه پایدار</p>	<p>- تأکید بر تقویت و توسعه درونی این شهرها - توزیع و گسترش امکانات گوناگون در بخش‌های مختلف - کاهش تمرکز ناخواسته صنایع، خدمات و ادارات دولتی از مراکز شهری بزرگ به این شهرها - حرکت به سمت خوداتکایی - توجه به بنیان‌های اقتصادی در این شهرها - حفظ محیط‌زیست - اصلاح بازار - اهمیت دادن به نقش مشارکت مردمی - سیاست عدم تمرکز، همراه با توسعه اجتماعی - ادغام توسعه روستایی با اقتصاد شهرهای بزرگ‌تر - تقویت این شهرها در راستای ایجاد همبستگی فضای محلی، منطقه‌ای و ملی</p>



### جدول ۴. مزیت‌ها و کاستی‌های دیدگاه‌ها در زمینه توسعه پایدار

کاستی‌ها	مزیت‌ها	دیدگاه‌ها
<p>- تأکید بر سود گرایی، فرد گرایی و انسان‌محوری</p> <p>- تأکید صرف بر عامل بازار به عنوان ابزار دستیابی به توسعه پایدار</p> <p>- تأکید بر نقش فناوری در حفظ و حمایت از محیط‌زیست</p> <p>- پذیرش نقش بازار علی‌رغم انتقادات از عملکرد آن</p> <p>- تأکید بر عقلانیت</p>	<p>- توجه به اقتصاد و بازار در دستیابی به توسعه پایدار شهری</p> <p>- تأکید بر اصلاح تا تغییر</p> <p>- توجه به نقش فناوری در حفظ و حمایت از محیط‌زیست</p>	دیدگاه‌های مدرن
<p>- فن‌محورانه است.</p> <p>- تأکید صرف بر نقش غالب مردم و اجتماع در دستیابی به توسعه پایدار شهری</p> <p>- توجه ویژه به ظرفیت شهروندان و توانمندسازی آنان.</p> <p>- مشارکت مردمی به‌طور خاص مورد توجه است.</p> <p>- توسعه نیازمند ساختاری افقی، محدود در مقیاس است.</p>	<p>- توجه به ظرفیت شهروندان و توانمندسازی</p> <p>- مشارکت مردمی به‌طور خاص مورد توجه است.</p>	دیدگاه‌های میانه
<p>- تأکید صرف بر عامل محیط‌زیست در دستیابی به توسعه پایدار شهری</p> <p>- مخالفت شدید با استراتژی‌های صنعتی شدن و تفکرات سرمایه‌داری و نوسازی</p> <p>- به شدت محیط‌گرا است و به‌ویژه در ارتباط با جهان سوم بسیار سختگیرانه عمل می‌کند.</p> <p>- رشد صفر جمعیت</p> <p>- حساسیت نظریه‌های نئومالتوسی به ویژگی‌های اجتماعی</p> <p>- فشار وارده به محیط در کشورهای پیشرفته بیش از جمعیت کشورهای در حال توسعه است.</p>	<p>- حرکت به سمت خوداتکایی</p> <p>- برطرف کردن حاشیه‌نشینی شهرها</p> <p>- برقراری تعادل جمعیت و منابع</p> <p>- حفاظت و حمایت از از منابع طبیعی و محیط‌زیست</p>	دیدگاه‌های ساختارگرا



<p>- ضعف مدل تحلیلی - تمرکزگرایی ساختار کلان در امر برنامه ریزی</p>	<p>- توجه به همه ابعاد و ساختار درونی در راستای دستیابی به توسعه پایدار شهری - توزیع و گسترش امکانات گوناگون در بخش های مختلف - کاهش تمرکز ناخواسته صنایع، خدمات و ادارات دولتی از مراکز شهری بزرگ به شهرهای کوچک - توجه به بنیان های اقتصادی شهرهای کوچک - تأکید بر تقویت و توسعه درونی این شهرها - سیاست عدم تمرکز، همراه با آمایش شهری، منطقه ای و ملی - ادغام توسعه روستایی با اقتصاد شهرهای بزرگ تر - تقویت شهرهای کوچک در راستای ایجاد همبستگی فضای محلی، منطقه ای و ملی</p>	<p>دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک مبتنی بر توسعه فضایی پایدار (آمایش شهری)</p>
---	--	--

نتایج حاصل از تحلیل و مقایسه دیدگاه های مطرح شده در جدول های بالا نشان می دهد که دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک مبتنی بر پیشرفت فضایی پایدار به واسطه نگاه همه جانبه ای که به ساختار داخلی شهرهای کوچک دارد، بر سایر دیدگاه ها، مزیت های ویژه ای دارد و می تواند با تأکید بر پایداری این شهرها، علاوه بر تقویت ساختار درونی شهرهای کوچک، مناسبات و شرایط محلی و منطقه ای را نیز بهره مند و پایدار سازد. آثار احتمالی بهره گیری از دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک مبتنی بر پیشرفت فضایی پایدار در شهرهای کوچک در جدول ۵ آمده است.

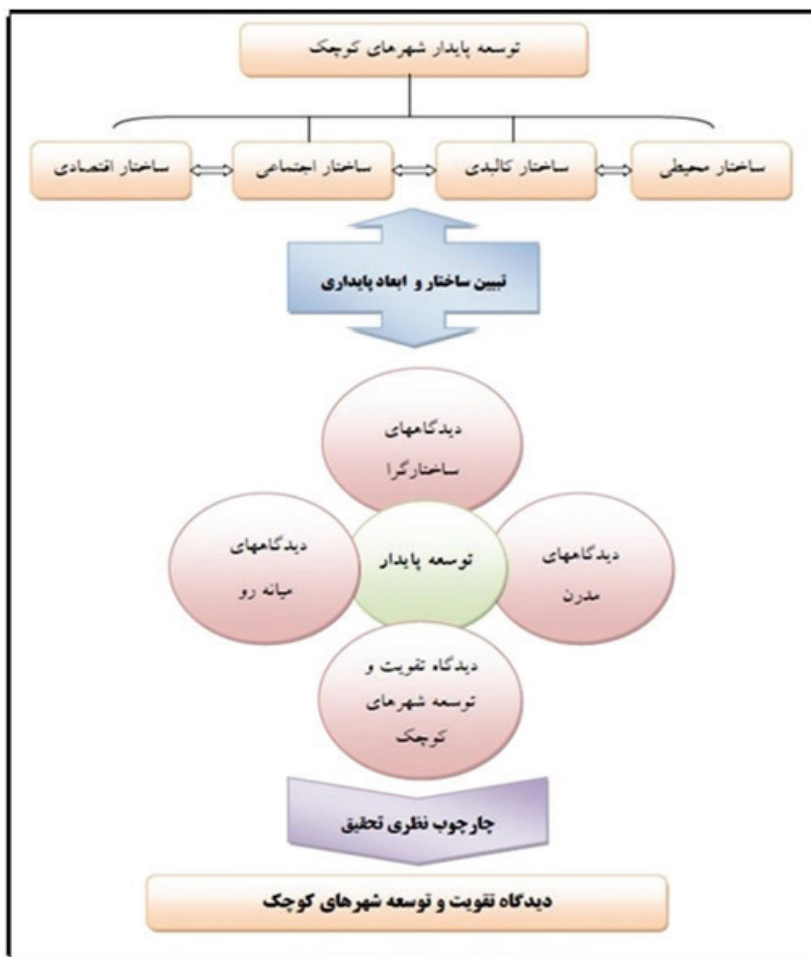


## جدول ۵. آثار احتمالی به کارگیری دیدگاه توسعه و تقویت شهرهای کوچک مبتنی بر

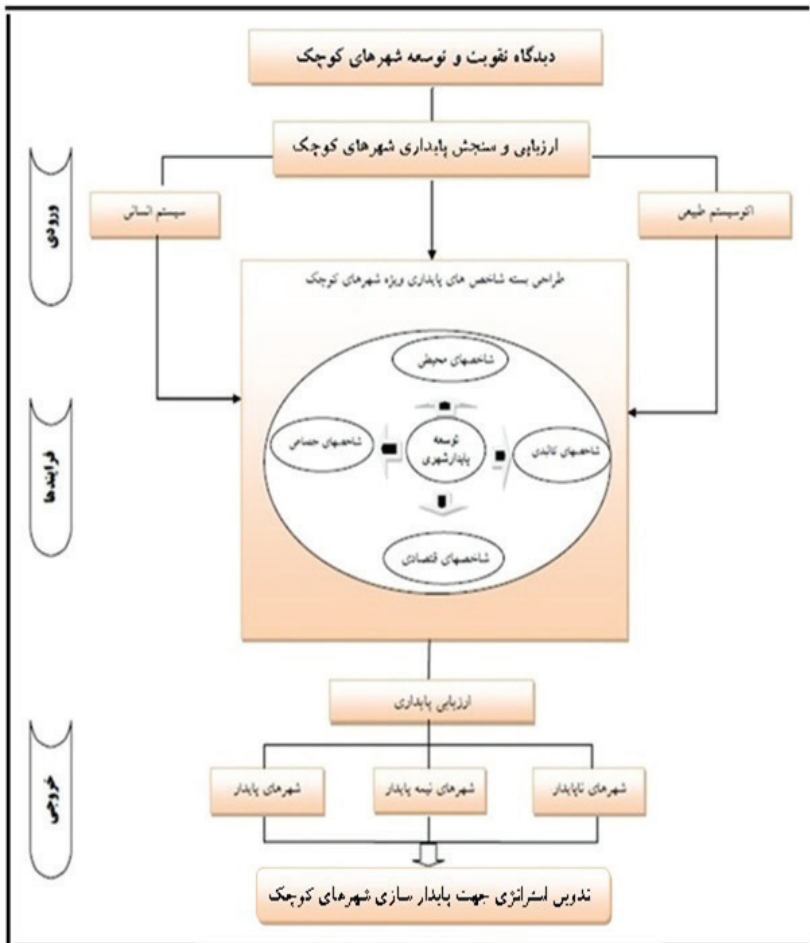
### پیشرفت فضایی پایدار در شهرهای کوچک

آثار احتمالی	ابعاد فرعی	دیدگاه اصلی
۱. توسعه فعالیت‌های صنعتی سبک؛ ۲. رشد تنوع فعالیتی در حوزه‌های شهری؛ ۳. کاهش نابرابری اقتصادی بین این شهرها؛ ۴. تمرکززدایی اداری، سیاسی؛ ۵. کاهش تمرکز ناخواسته صنایع، خدمات و ادارات دولتی در مراکز شهری بزرگ؛ ۶. تمرکززدایی فرصت‌های شغلی؛ ۷. تجاری کردن کشاورزی؛ ۸. دسترسی آسان به زیرساخت‌های لازم برای نگهداری و آماده‌سازی محصولات کشاورزی.	اقتصادی	دیدگاه توسعه و تقویت شهرهای کوچک با تأکید بر پیشرفت فضایی پایدار
۱. رشد فعالیت‌های سازگار با محیط‌زیست این شهرها؛ ۲. آشنایی شهروندان به محدودیت‌های زیست‌محیطی؛ ۳. توجه به کیفیت محیط‌زیست این شهرها؛ ۴. توسعه مسکن پایدار؛ ۵. کاهش آلودگی آب رودخانه‌ها و منابع آبی؛ ۶. تغییر رشد شهر از حالت پراکنده به سمت فشرده؛ ۷. ایجاد فضای باز عمومی.	اکولوژیکی	
۱. تقویت همبستگی فضای محلی، منطقه‌ای و ملی؛ ۲. گسترش ابداعات فنی و اجتماعی از شهرهای میانی و بزرگ به مناطق شهری کوچک؛ ۳. جذب مهاجران روستایی که قصد مهاجرت به شهرهای بزرگ را دارند؛ ۴. تغییر دیدگاه از فن‌گرایی به سمت مشارکت مردم و خرد جمعی؛ ۴. اعمال مدیریت هماهنگ محیط‌زیست شهری به جای مدیریت بخشی‌نگر؛ ۵. به کارگیری مردم علاقه‌مند در الگوهای مشارکتی شهری؛ ۶. توزیع عادلانه‌تر رفاه؛ ۷. سیاست عدم تمرکز، همراه با توسعه اجتماعی.	اجتماعی	

با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت، دیدگاه غالب و مؤثر توسعه‌ای برای شهرهای کوچک، دیدگاه تقویت و توسعه شهرهای کوچک با تأکید بر پیشرفت فضایی پایدار است. به عبارت دیگر، مبنای نظری مطالعات سکونتگاه‌های کوچک شهری، اندیشه و رویکرد توسعه و تقویت شهرهای کوچک است که با تأکید بر پایداری این شهرها، می‌تواند جنبه کاربردی یا عینی پیدا کند. در شکل‌های ۲ و ۳ فرایند نظری-مفهومی دستیابی شهرهای کوچک به توسعه پایدار نشان داده شده است.



شکل ۲. فرایند نظری دستیابی شهرهای کوچک به پیشرفت پایدار



شکل ۳. فرایند الگوی مفهومی دستیابی شهرهای کوچک به پیشرفت پایدار



## ۵. نتیجه

در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی ایران همواره به شهرهای کوچک بی‌توجهی شده است. در این پژوهش تلاش شد مبانی نظری، دیدگاه‌های مرتبط با موضوع توسعه پایدار و شهرهای کوچک بررسی و تحلیل شود و براساس آن به الگویی کلان و جامع برای تحقق توسعه پایدار شهرهای کوچک به دست آید. در تکوین اندیشه توسعه پایدار، نگرش‌های مدرن (شامل نظریه نوگرایی اکولوژیک و محیط‌گرایی با محوریت بازار) بازار، عامل اصلی پایداری سکونتگاه‌ها است؛ در نگرش‌های میانه‌رو (شامل نظریه‌های توسعه مردمی و محیط‌گرایی مردمی نوین) عوامل و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری دارند و در نگرش‌های ساختارگرایانه، در توسعه پایدار بر عوامل محیط‌زیستی تأکید می‌شود. نتایج حاصل از بررسی مبانی و مفاهیم نظری مطرح شده نشان می‌دهد که امروزه در میان انبوهی از دیدگاه‌ها و نظریه‌های توسعه‌ای مختلف، نظریه توسعه و تقویت شهرهای کوچک مبتنی بر پیشرفت فضایی پایدار به‌واسطه نگاه نظام‌مند و جامع به مسائل و چالش‌های جوامع شهری معاصر و نیز به دلیل توجه و تأکید خاص بر حقوق انسان و حقوق مکان در شهرهای کوچک از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، یکی از مناسب‌ترین نسخه‌ها برای حل مشکلات و مسائل مطرح شده، تأکید بر دیدگاه تقویت و توسعه سکونتگاه‌های کوچک شهری است که برای رسیدن به آن منطقی‌ترین و مناسب‌ترین گزینه نظری و عملی، توسعه فضایی پایدار است.

## کتابنامه

- الیوت، جنیفر. ۱۳۷۸. *مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای درحال توسعه*. ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و حسین رحیمی. تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- برزگر، صادق. ۱۳۹۳. «سنجش پایداری در شهرهای کوچک استان مازندران». رساله دکتری. دانشگاه پیام‌نور تهران.
- حسینی، سیدهادی. ۱۳۸۹. «الگوسازی پایداری توسعه شهر میانی سبزاور». رساله دکتری. دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- رازدشت، عبدالله، حسین یغفوری و آفرین ملکی. ۱۳۹۱. «مقایسه شاخص‌های پایداری شهر کوچک دهدشت با متوسط نظام شهری کشور با تأکید بر توسعه پایدار شهری». نشریه آمایش محیط. دوره ۵. شماره ۱۸. صص ۱۲۵-۱۴۲.





- ضرابی، اصغر. ۱۳۸۰. «معنی و مفهوم توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه». مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۹، صص ۱۰-۱۷.
- فراهانی، حسین. ۱۳۸۵. «ارزیابی پایداری در نواحی روستایی با تأکید بر عوامل اجتماعی و اقتصادی؛ مطالعه موردی: شهرستان تفرش». رساله دکتری. دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- زاهدی، شمس السادات و غلامعلی نجفی. ۱۳۸۵. «بسط مفهومی توسعه پایدار». فصلنامه مدرس علوم انسانی. سال ۱۰، شماره ۴، صص ۴۳-۷۵.
- سعیدی، عباس. ۱۳۸۶. «بررسی تئوری‌های توسعه اقتصادی روستاها». مهندسين مشاور و رويان.
- صرافی، مظفر. ۱۳۸۷. «مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای». تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- فنی، زهره. ۱۳۸۲. «شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای». تهران: سازمان شهرداری‌ها.
- فنی، زهره و اشرف السادات باقری. ۱۳۹۴. «شهرهای کوچک و میانی؛ برنامه‌ریزی و توسعه». تهران: سازمان شهرداری‌ها.
- معارفی، فاطمه. ۱۳۸۱. «ارائه الگوی ساختاری برای مدیریت نظام توسعه روستایی کشور مبتنی بر برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- نظریان، اصغر. ۱۳۸۶. «شهرنشینی در حال دگرگونی و جایگاه شهرهای کوچک؛ تجربه ایران». فصلنامه جغرافیایی سرزمین. سال ۴، شماره ۱۴، صص ۳۳-۵۵.
- یاری، ارسطو. ۱۳۹۰. «سنجش و ارزیابی پایداری سکونتگاه‌های روستایی حوزه کلان‌شهری و ارائه مدل استراتژیک توسعه پایدار». رساله دکتری. دانشگاه تهران.

Adams, W.M. 2001. *Green Development*. London: routledg.

Avijiti, G. 1998. *Ecology and development in third world*. second edition. London: routledg.

Axinn, G.H. & Axinn. N. W. 1997. *collaboration in rural development*. a practioner hand book. london.

Baker, Susan. 2006. *Sustainable Development*. London- New York: Rout ledge.

Campbell, H (1996). *Indicators for Sustainable Development: Theory, Method, Applications. A Report to the Balaton, Group, IISD, Canada*.

Clark, W.C. 1989. "managing plant earth. scientific American". 261. pp. 47-54.

Cohen, Barney. 2005. "Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability". *Technology in Society*. Pp. 1-22.

Dobie, P. 2004. "Models for National Strategies: Building Capacity for Sustainable Development". *Development Policy Journal*. Vol. 1. and Special Issue: Capacity



- for Sustainable Development.
- Doody, D. G. 2009. "Evaluation of the Q-method as a method of public participation in the selection of sustainable development indicators". *ecological indicators*. vol 809. pp. 1129-1137.
- Jennifer, A. 1996. Elliott, An Introduction To Sustainable Development, The developing world. London and New York: Routledge.
- Hardoy, J. and Satterwaite. 1986. "D Small and Intermediate Cities". *IIED*. P. 230.
- Lee, N. & Greed. 1993. "scale mismatch and learning ecological application". *Ecological Application*. Vol. 3. pp. 560-564.
- Radclift, M. 1997. *Sustainable Development: Exploring the Contradictions*. London: Methuen.
- Overton, J. 1999. *Strategies for Sustainable Development: Experiences from the Pacific*. London: Zed Book.
- Tanguay, G. 2010. "Measuring the sustainability of cities: an analysis of the use of local indicators". *ecological indicators*. vol. 10. pp. 407-418.
- Winograd & Farrow. 2010. "Sustainable development indicators for decision making: concepts, methods and definition". international centre for tropical agriculture (CIAT). cali. Colombia.
- Umana, A. 2002. "Generating Capacity for Sustainable Development: Lessons and Challenges, Choices". Environmentally Sustainable Development Group Leader (UNDP). Available at: [www.undp.org](http://www.undp.org).
- Ward, Nail. 2000. "the nature of Rural Development toward sustainable Integrated Policy in europe". *IIEP*. P. 50.
- Vouvaki, Dimitra & Xepapadeas, Anastasios. 2008. "Changes in social welfare and sustainability: Theoretical issues and empirical evidence". *Ecological Economics*.
- Zaslow, M. et al.,(2000), Welfare Reform And Children: Potential Implications, Number A-23 in Series, New Federalism. ([www.newfederalism.com](http://www.newfederalism.com)).
- for Sustainable Development.
- Doody, D. G. 2009. "Evaluation of the Q-method as a method of public participation in the selection of sustainable development indicators". *ecological indicators*. vol 809. pp. 1129-1137.
- Jennifer, A. 1996. Elliott, An Introduction To Sustainable Development, The developing world. London and New York: Routledge.
- Hardoy, J. and Satterwaite. 1986. "D Small and Intermediate Cities". *IIED*. P. 230.
- Lee, N. & Greed. 1993. "scale mismatch and learning ecological application". *Ecological Application*. Vol. 3. pp. 560-564.



- Radclift, M. 1997. *Sustainable Development: Exploring the Contradictions*. London: Methuen.
- Overton, J. 1999. *Strategies for Sustainable Development: Experiences from the Pacific*. London: Zed Book.
- Tanguay, G. 2010. "Measuring the sustainability of cities: an analysis of the use of local indicators". *ecological indicators*. vol. 10. pp. 407-418.
- Winograd & Farrow. 2010. "Sustainable development indicators for decision making: concepts, methods and definition". international centre for tropical agriculture (CIAT). cali. Colombia.
- Umana, A. 2002. "Generating Capacity for Sustainable Development: Lessons and Challenges, Choices". Environmentally Sustainable Development Group Leader (UNDP). Available at: [www.undp.org](http://www.undp.org).
- Ward, Nail. 2000. "the nature of Rural Development toward sustainable Integrated Policy in europe". *IEEP*. P. 50.
- Vouvaki, Dimitra & Xepapadeas, Anastasios. 2008. "Changes in social welfare and sustainability: Theoretical issues and empirical evidence". *Ecological Economics*.
- Zaslow, M. et al.,(2000), Welfare Reform And Children: Potential Implications, Number A-23 in Series, New Federalism. ([www.newfederalism.com](http://www.newfederalism.com)).